

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

م. ن. «مستجاب» - بلغاريا

۰۵ سپتمبر ۲۰۱۶

«هاشمیان» - غول بی شاخ و دُمب

از همان هنگام کودکی تا به سی سال قبل که در وطن عزیزم افغانستان بودم، همیشه کلمه قشنگ «غول بی شاخ و دم» به گوشم رسیده است. این اصطلاح طنزآسا و کوبنده را بسیار دیر شده بود که نه خود استعمال کرده بودم و نه از کسی شنیده بودم. تا این که چند روز پیش وقتی در حضور دوستان بودم، یکی از آنها نام «هاشمیان» را بر زبان آورد و حکایت کرد که همین چارپای باز در صراط غیر مستقیم خود پای مانده در باره ناصرجان (مراد من بنده) باز دهنکجی کرده و بد و رد بسیار گفته است. بعد مرا مخاطب قرار داده گفت:

«ثَره به خدا بگی یک جواب دندان شکن بر ازمی بی پدر نوشته کو و به همو سایت لانه پرچمی ها که اوغان جرمن نام داره، راهی کو!»

یکی از دوستان پرسید: «همو غول بی شاخ و دمه میگی؟»

گفت: «بلی خوب گفتی، همو غول بی شاخ و دمه میگم!»

دیگری بر سبیل طنز ازش پرسان کرد:

«چرا غول بی شاخ و بی دم؟»

در جواب شنید:

«بلی همی غول بی شاخ و دم میگم که ایقدر بیحیا تشریف داره که هرچه ده فرق سر خود بخوره به روی خود نمی آره و باز به همو کثافتکاری خود ادامه میته!»

کسی از دوستان که خواست در مورد این انسان رسوا طالب معلومات شود، چون نام او را شنیده بود و درباره کارروائی هایش معلومات نداشت، به شکل پهلودار تأکید کرد:

«جدی برتان میگم، وقتی گپی ره میزنین ثبوتشام بکنین. حالی که اوره «غول بی شاخ و بی دم» میگین، برمه بگوئین که شاخه کی شکستاده و دمیشه کی بریده؟»

من که تا آن لحظه خاموش بودم، لب به سخن تر کرده و در جواب گفتم:

همین "هاشمیان" یک زمانی در مورد دو نویسنده عزیز افغان، که در جرمنی و کانادا تشریف دارند و از مؤسسان پورتال پرآوازه «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» استند، سخنان زشت و موهنی گفته بود، که در پاسخ چند نویسنده

این پورتال که هرکدام استاد قلم و سخن هستند و زبان تند دارند، دست به کار شده آنقدر "هاشمیان" را کوفتند و رسوای عالم ساختند که در تاریخ مطبوعات ما هیچ کس به یاد ندارد. و اضافه کردم:

«شاخ هاشمیانه خو همی پورتال قهار شکستاند و دمبشه کدام منتقم باشهامت دگه قبلاً به ضرب تبر دودمه از دو جای قطع کرده و پیش سگا انداخته بود. ازی خاطر وقتی هاشمیانه غول بی شاخ و دم میگیم، از اسم بامسما و یک واقعیت عینی گپ می زنیم» و ادامه دادم:

«مه به همو پنج هزار دالری که هاشمیان ده کدام لته کهنه و رنگ رفته پیچانده و همیشه شرط میزنه، شرط میکنم، که یک هیأت منصفه بُره و از نزدیک هاشمیانه معاینه کنه و ببینه که داغ دو شاخ هنوز در دو طرف فرق سرش دیده میشه و از می خاطر همیشه کُلاهی کلان قره قلی ده سر خود میمانه تا عیشیه بیوشانه. و اگه هیأت جرأت کُنه و تحمل بوی گنده را داشته باشه، کون کته و نکبت هاشمیانه هم لچ بکنن و داغ دمبشه ببینن و باز به خلق عالم راپور بتن که "غول بی شاخ و دم" تنّا گپ نیس، بلکه واقعیت داره!»

والسلام، مگر بر کسانی که سخن حق را می شنوند و راستکارند!